

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ ۱۳۹۸/۰۱/۲۳

موضوع: «پاسخ به شبهه عدم ولادت حضرت مهدی ارواحنا فداه و تقسیم ارث امام عسکری بخاطر نداشتن فرزند»

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلاة علی محمد رسول الله و علی آله آل الله لاسیما علی مولانا بقیة الله و اللعن الدائم علی اعدائهم اعداء الله إلی یوم لقاء الله، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ.

خدا را بر تمام نعمت‌هایش، بویژه نعمت ولایت سپاس می‌گوییم و اعیاد شعبانیه را بویژه میلاد اقا امام حسین سرور آزادگان (سلام الله علیه) و میلاد مسعود بقیة الله الاعظم، عصاره‌ی عالم وجود حضرت مهدی (عج الله تعالی فرجه الشریف) را به همه شما عزیزان و گرامیان تبریک عرض می‌کنیم و خدا را به آبروی این بزرگواران قسم می‌دهیم عیدی ما را فرج موفور السرور مولایمان ولیعصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قرار بدهد با ذکر صلوات بر محمد و آل محمد.

یکی از موضوعاتی که از دیر زمان مورد هجمه‌ی مخالفین و معاندین بوده است موضوع مهدویت است. کمتر موضوعی همانند مهدویت مورد عنایت نبی مکرم و ائمه هدی (صلوات الله علیهم اجمعین) بوده به طوری که در قرآن بیش از ۳۰۰ آیه از زبان ائمه معصومین (علیهم السلام) تفسیر و تأویل به حضرت ولی عصر شده است.

قریب ۲۰۰۰ هزار روایت در منابع شیعه و سنی در رابطه با حضرت ولیعصر (ارواحنا فداه) آمده است. به همین اندازه هم از سوی مخالفین، معاندین و منحرفین موضوع مهدویت مورد هجمه بوده و شبهات زیادی در این محور وارد کرده‌اند. در مؤسسه‌ی مرکز اباحت عقائدیة شبهاتی که نسبت به شیعه جمع آوری شد از مرز هشت هزار شبهه گذشت. از این هشت هزار شبهه حدود پانصد و چهل شبهه فقط در حوزه مهدویت بود.

عزیزان! پانصد و چهل شبهه شاید گفتنش ساده باشد! ولی عمق مسئله نشان می‌دهد که مخالفین عقده و کینه‌ی خاصی نسبت به قضیه‌ی مهدویت داشته‌اند و لذا یکی از وظایف سنگین ما پرداختن به فرهنگ مهدویت و پاسخگویی به شبهات معاندین، مخالفین و منحرفین است.

در جلسات گذشته که در این یک سال و اندی در خدمت شما گرامیان بودیم، مباحثی مطرح شد و عمدتاً روی بعضی از منحرفین همانند «احمد الحسن» و امثال او مطالبی تقدیم شد؛ ولی با توجه به این‌که میلاد حضرت ولیعصر (ارواحنا فداه) نزدیک است من در این جلسه می‌خواهم به بخشی از شبهاتی که عمدتاً از ناحیه وهابیت در حوزه ولادت حضرت ولیعصر (ارواحنا فداه) آمده است بپردازم.

در رابطه با ولادت دو شبهه‌ی - به قول خودشان اساسی - مطرح می‌کنند:

۱- اصلاً آقا امام عسکری (سلام الله علیه) فرزندی نداشت و عقیم بوده و این‌که شیعه ادعا می‌کند فرزندی به نام حضرت مهدی داشته است با واقعیت تاریخی نمی‌سازد.

۲- بعد از شهادت امام عسکری (سلام الله علیه) آمده‌اند کلّ میراث امام عسکری را تقسیم کرده‌اند؛ چون فرزندی نداشت در حقیقت برادر امام عسکری که معروف به «جعفر کذاب» است تمام ما ترک امام عسکری را برد، و اگر فرزند و وارثی داشت نباید چنین اتفاقی می‌افتاد.

-من از روحانیان عزیز و بزرگوار درخواست می‌کنم دقت کنند- جالب است که مخالفین در این زمینه به بعضی از منابع شیعه اشاره می‌کنند مثل سخن «اشعری در فرق اسلامی» و «نوبختی در فرق شیعه» و چند روایتی هم در کتاب «کافی»!

من تلاش می‌کنم در این نیم ساعتی که مصدّع اوقات شما هستم در هر دو محور به صورت خلاصه و فشرده به این دو شبهه بپردازم و پاورپوینت این بحث هم در سایت موسسه تحقیقاتی حضرت ولیعصر وجود دارد، دوستان می‌توانند وارد بشوند و دانلود کنند.

در رابطه با ولادت حضرت مهدی (ارواحنا فداه) «ابن تیمیه حرانی» بزرگ نظریه پرداز وهابیت مطلبی دارد که به حق سخن او برای رسوایی «ابن تیمیه» و طرفداران او کافی است. از باب مشت نمونه خروار آن را مطرح می‌کنیم و عمده‌ی شبهات وهابیت هم از این دست و قماش است.

این کتابی را که ملاحظه می‌فرمایید «منهاج السنه» ابن تیمیه و به تعبیر «علامه امینی» منهاج البدعه است. ایشان در جلد چهارم صفحه ۸۷ مطالبی در این موضوع دارد. من مطلب را برای شما به دقت می‌خوانم و برای آن دسته از عزیزانی که عربی نمی‌دانند ترجمه می‌کنم تا قضیه روشن بشود. ایشان می‌گویند:

«قد ذکر محمد بن جریر الطبري»

«جریر طبری» صاحب «تاریخ طبری» و متوفای ۳۱۰

«وعبد الباقي بن قانع»

یک آدم مجهولی است و حتی در کتب اهل سنت شرح حالی از او نیست.

«وغيرهما من أهل العلم بالأنساب والتواريخ»

ما می‌خواهیم روی همان اولی قضاوت کنیم، «محمد ابن جریر طبری» گفته

«أن الحسن بن علي العسكري لم يكن له نسل ولا عقب»

امام عسکری اصلاً نسل و فرزندى نداشته است.

منهاج السنة النبوية، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس الوفاة: ۷۲۸، دار

النشر: مؤسسة قرطبة - ۱۴۰۶، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. محمد رشاد سالم، ج ۴، ص ۸۷

خلاصه این که عقیم بوده است. «ابن تیمیه» این مطلب را از کجا نقل می‌کند؟ از «محمد ابن جریر طبری»، ایشان دو تا کتاب مشهور دارد: یک کتاب تاریخ و دیگری کتاب تفسیر!

ما بارها تحدّی کرده‌ایم که اگر کسی چنین مطلبی از «طبری» ولو با سند ضعیف بتواند برای ما بیاورد که «طبری» گفته امام عسکری فرزندی نداشته است، ما حاضریم هر جایزه‌ای که معین کنند برایشان بدهیم! بالاتر از همه می‌گوییم اگر چنین مطلبی را از «طبری» بیاورید ما از مهدویت دست بر می‌داریم، دیگر بالاتر از این هم چیزی می‌خواهید؟!

ما الان شاید بیش از بیست - بیست و پنج سال است با این‌ها بحث و جدل داریم، هر وقت این بحث مطرح شده من از این‌ها خواسته‌ام که از کتاب‌های «ابن جریر طبری» برای ما بیاورید، مگر «ابن تیمیه» نمی‌گوید «ابن جریر طبری» گفته:

«أَن الْحَسَنَ بْنِ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيِّ لَمْ يَكُنْ لَهُ نَسْلٌ وَلَا عَقَبٌ»

دروغ به این راحتی و به این سادگی؟! جالب این است محقق «منهاج السنه»، «دکتر محمد رشاد سالم» که از محققین پر آوازه وهابیت است، کتاب‌های زیادی را ایشان ترجمه و تحقیق کرده است، ایشان آدم مسلط به منابع تاریخی و روایی است و متوجه دروغ «ابن تیمیه» شده، این خیلی جالب است، ایشان در پاورقی می‌گوید این عبارتی که «ابن تیمیه» از کتاب «محمد ابن جریر طبری» آورده در کتاب ایشان نیست، بلکه در کتاب «صلة تاریخ طبری» است که آن هم برای «غریب ابن سعد قرطبی» است. «طبری» یک مورخ توانمند پر آوازه است. نظراتش برای خیلی‌ها محترم است؛ ولی «غریب ابن سعد قرطبی» آدم شناخته شده‌ای نیست، حتی خیلی از اهل سنت هم قبولش ندارند.

بعد محقق این کتاب یک خیانت دیگری در این جا کرده است، ایشان می‌گوید در این کتاب آقای «قرطبی» گفته:

«أن رجلا زعم أنه»

يعنى «محمد ابن حسن المهدى»

«فأمر رجلا زعم أنه محمد ابن حسن المهدى»

یک کسی آمد ادعای مهدویت کرد، گفت من محمد فرزند امام عسکری هستم و اسم من هم مهدی است. ببینید! دروغ در دروغ! افترا در افترا! تدلیس در تدلیس! ایشان آمد گفت من «مهدی» هستم! «مقتدر عباسی»، «ابن طومار نقیب آل طالب» را آورد و این قضیه را جمع کرد و ثابت کرد که این آقا دروغ می‌گفته است.

عزیزان دقت کنند! در کتاب «صلة التاريخ طبري» اثر غریب ابن سعد قرطبی آمده است:

«جاء رجل حسن البزة طيب الرائحة إلى باب غريب خال المقتدر ... أنا رجل من ولد علي بن أبي طالب»

صلة تاريخ الطبري ، اسم المؤلف: غريب بن سعد القرطبي (المتوفى : ٣٦٩هـ) الوفاة: ٣٦٩ ، دار النشر،

ج ١، ص ٣٤

در هیچ جای این کتاب نیست که بگوید من «محمد ابن حسن المهدی» هستم و ادعای مهدویت کرده باشم. با این که اثبات می‌کند «ابن تیمیه» دروغ گفته، برای این که دروغ او را هم یک سرپوشی بگذارد -حالا ایشان «تاریخ طبری» گفته، ما این را «صلة التاريخ طبري» می‌خوانیم - ولی آمده در آن جا می‌گوید:

«جاء رجل زعم أنه محمد ابن الحسن المهدى»

«أنا رجل من ولد علي بن أبي طالب»

شاید بتوانم بگویم ۹۹ درصد شبهاتی که وهابیت دارند عمدتاً از همین قبیل است. می‌آیند یک حرف بی اساس و دروغی را می‌گویند؛ یک عده مریدهای احمق هم هستند تصور می‌کنند که «ابن تیمیه» گفتارش وحی منزل است!

شما ببینید کتاب‌هایی که وهابی‌ها نوشته‌اند از قبیل: «قفاری»، «دکتر سالوس»، «عبدالرحمن دمشقیه»، «عثمان الخمیس»، «خفاجی» و دیگران همه مطلب را از «ابن تیمیه» نقل کرده‌اند. می‌گویند: «ابن تیمیه» است، شیخ الإسلام است! ایشان به نقل از «محمد ابن جریر طبری» گفته امام حسن عسکری، فرزند نداشت این کلّ داستان و شبهه این‌هاست.

عزیزان دقت کنند کتاب «اصول مذهب شیعة الاثنی عشریة» در سه جلد نوشته «قفاری» است. رساله دکترایش در زمان «ملک فهد» بود. رساله برتر کشور «عربستان سعودی» شد در سه سال متوالی این کتاب را جزو کتب درسی «دانشگاه اسلامی مدینه» در مقطع ارشد قرار دادند. این کتاب شاید سرآمد تمام کتاب‌های ضد شیعه است که در چهارده قرن نوشته شده؛ یعنی هر چه شبهه علیه شیعه بوده از قرن دوم و سوم هجری از «جاحظ»، «عبدالجبار معتزلی»، «ابن تیمیه» و دیگران در این کتاب جمع کرده و اضافه یک کار جدیدی که انجام داده همان‌گونه که «شیخ مفید» و «سید مرتضی» و «علامه امینی» از کتب اهل سنت برای حقانیت شیعه استدلال کرده‌اند، این شخص از کتاب‌های شیعه روایاتی را اول و آخرش را حذف کرده و وسطش را آورده است! دو - سه تا عبارت را جلو و عقب کرده برای حقانیت خودشان و یا برای ایجاد شبهه علیه شیعه مطرح کرده است. خودش هم در مقدمه می‌گوید من قبل از این‌که، این کتاب را بنویسم تمام آثار شیعه را دیدم «کتب اربعه» را مطالعه کردم «وسائل»، «مستدرک»، «بحار» را صفحه به صفحه مطالعه کردم، با تعدادی از علمای شیعه در «پاکستان»، «بحرین» و جاهای دیگر بحث کردم و بعد این کتاب را نوشتم.

تقریباً تا به حال هم تعدادی از عزیزانمان در قالب رساله ارشد و دکتری بعضی از شبهات را قفاری را جواب داده‌اند. قبلاً هم بنده عرض کردم آیت‌الله العظمی «فاضل لنکرانی» (قدس الله نفسه الزکیه) و آیت الله العظمی «شبیری زنجانی» حدود سال ۸۳-۸۴ به بنده تکلیف کردند که حتی شما بحث‌های حوزوی‌تان را تعطیل کنید و شبهات این کتاب را جواب بدهید.

هفت - هشت سال شبانه روزمان را برای این کتاب گذاشتیم و در سه جلد جواب دادیم «نقد اصول مذهب الشیعة الامامية الاثني عشریه» که دوستان اگر به «سایت ولیعصر» مراجعه کنند فایل آن هم به صورت «اچ تی ام ال» و هم به صورت «پی دی اف» موجود است.

این کتاب، جزء قوی‌ترین کتاب‌های ضد شیعه است؛ ولی بیننا و بین ربنا ما در این شش - هفت سال که کار کردیم یک حرف درست و حسابی نتوانستیم از حرف‌های این‌ها پیدا کنیم که واقعاً آدم احساس کند این شبهه واقعیت و حقیقت دارد. جز تدلیس، جز دروغ‌گویی، جز بافتن و جز فحاشی کردن ما در کتاب ایشان چیزی ندیدیم.

من در این سه جلد جواب، تلاش کردم کوچک‌ترین توهینی نه به خود «قفاری» و نه به اهل سنت نداشته باشم. حتی خیلی از دوستانی که با ما کار می‌کردند چند بار با ما دعوا کردند که فلانی این شخص به مقدسات شیعه فحاشی کرده، فحش رکیکی نمانده که به علمای شیعه نگفته باشد، اگر یک مطلبی که یک مقدار تند است ما می‌نویسیم شما خط می‌زنید، گفتم ما تربیت شده مکتب اهل بیت و غدیر هستیم، این‌ها تربیت شده مکتب «سقیفه» و «ابن تیمیه» هستند. از کوزه برون همان تراود که در اوست. اگر ما هم بیاییم در برابر این‌ها توهین و فحاشی کنیم چه فرقی میان ما و این‌ها است؟ ایشان در جلد دوم بحث را مطرح می‌کند بعد از امام یازدهم

«وتوفی ولم یر له خلف ولم یعرف له ولد ظاهر ، فاقتمس ما ظهر من میراثه أخوه جعفر و أمه»

چون فرزندی نداشت برادرش به عنوان وارث نسبی همسرش هم به عنوان وارث نسبی اموالش را تقسیم کردند. «احسان الهی ظهیر» در کتاب «الشیعة واهل البیت» همین تعبیر را مطرح می‌کند که اصلاً امام عسکری فرزندی نداشته است.

ما برای جواب این شبهه، ابتدا به نسب شناسان مشهور اهل سنت مراجعه می‌کنیم. آن‌هایی که «انساب» را نوشته‌اند انساب رسول اکرم تا حضرت آدم و از حضرت رسول اکرم تا زمان خودشان معمولاً تمام شجره‌ها را مشخص کردند. ببینیم واقعاً این حرفی که می‌زنند چقدر واقعیت دارد؟ «نسابه» مشهور «ابو نصر بخاری» از اعلام قرن پنجم هجری است در کتاب «سر سلسله العلویه» ایشان می‌گوید چرا به «جعفر کذاب»، «جعفر کذاب» می‌گویند؟ می‌گوید برای این که «جعفر» میراث برادرش امام عسکری را در برابر فرزند او حضرت حجت ادعا کرد.

«لا طعن في نسبة»

هیچ اشکالی در نسب حضرت مهدی وجود ندارد.

سر السلسلة العلوية - أبي نصر البخاري - ص ٤٠

ولی «جعفر کذاب» ادعای ارث کرد، شما ببینید این را «ابن تیمیه» برداشته و با چه آب و تاب نقل می‌کند! باز «نسابه» مشهور «علی ابن محمد علوی» در «المجدی فی انساب الطالبین» دارد:

«ومات أبو محمد عليه السلام وولده من نرجس عليها السلام معلوم عند خاصة أصحابه وثقات أهله»

المجدي في أنساب الطالبين - علي بن محمد العلوي العمري - ص ١٣٠

«نسابه» سوم «ابن عنبه» مشهور هم هست «عمدة الطالب» از کتاب‌های معتبرشان است

«ابو محمد العسکری و امه ... و هو والد محمد المهدي المنتظر عند الاماميه»

یعنی ما اگر بخواهیم همین مطالبی که نسابه‌های اهل سنت در رابطه با حضرت ولیعصر بیان کرده‌اند را مطرح کنیم، شاید مثنوی هفتاد من کاغذ شود.

اما نظر علمای بزرگ اهل سنت؛ این «الیواقیت والجواهر» نوشته «شعرانی» متوفای ۹۷۶ و مورد تأیید همه مذاهب است. ایشان در این کتاب در رابطه با حضرت مهدی حرف می‌زند و می‌گوید ولادتش شب نیمه شعبان ۲۵۵ هجری است. می‌گوید:

«فیکون عمره إلى وقتنا هذا و هو سنة ۹۵۸ سبعمائة سنة وست»

...در این سال که سال ۹۵۸ است عمر حضرت مهدی ۷۰۶ سال است

از این بهتر و واضح‌تر؟! هم ولادتش را مطرح می‌کند و هم این که الان چند سال از عمر بزرگوار گذشته است.

«فخر الدین رازی» همان که «امام المشککین» است در کتاب «الشجرة المبارکة» می‌گوید: اما امام عسکری

دارای دو پسر و دو دختر بوده، از دو پسر یکی از آنها صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و ثانی

«موسی درج»

یعنی:

«توفی فی حیات ابیه»

اما دو تا دخترش «فاطمه» و «ام موسی» هر دو در زمان حیات امام عسکری از دنیا رفتند. «ذهبی» که مشهور

به یک عالم ناصبی است در «تاریخ اسلام» خودش در وفیات ۲۵۰ تا ۲۶۰ دارد:

«اما ابْنُهُ»

فرزند امام عسکری

«محمد بن الحسن الذي يدعوه الرافضة القائم الخلف الحجة، فولد»

«فُولِدَ» قاطعانه دارد می گوید مهدی متولد شد

«سنة ثمان وخمسين ، وقيل : سنة ست وخمسين . عاش بعد أبيه سنتين ثم عدم و لم يعلم كيف

مات»

تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام ، اسم المؤلف: شمس الدین محمد بن أحمد بن عثمان
الذهبی الوفاة: ۷۴۸هـ ، دار النشر : دار الكتاب العربي - لبنان / بيروت - ۱۴۰۷هـ - ۱۹۸۷م ، الطبعة :
الأولى ، تحقیق : د. عمر عبد السلام تدمری، ج ۱۹، ص ۱۱۳

۲۵۸ بعضی‌ها هم ۲۵۶ می گویند بعد از پدرش هم دو سال زنده بود بعد از پدرش کسی از سرنوشت او و مرگ
او خبر ندارد. و همچنین در کتاب «العبر فی خبر من غیر» خودش هم به همین شکل می گوید محمد ابن حسن
العسکری در سال ۲۵۵ به دنیا آمده:

«وهو خاتمة الاثنی عشر»

پایان بخش امام دوازده گانه است

العبر فی خبر من غیر ، اسم المؤلف: شمس الدین محمد بن أحمد بن عثمان الذهبی الوفاة: ۷۴۸هـ ،
دار النشر : مطبعة حكومة الكويت - الكويت - ۱۹۸۴ ، الطبعة : ط ۲ ، تحقیق : د. صلاح الدین المنجد، ج
۲، ص ۳۷

برخی از دیگر بزرگان شان از جمله «ابن خلکان» به طور مفصل دارد:

«كانت ولادته يوم الجمعة منتصف شعبان سنة خمس وخمسين ومائتين»

وفیات الأعیان و انباء أبناء الزمان ، اسم المؤلف: أبو العباس شمس الدین أحمد بن محمد بن أبی بکر

بن خلکان الوفاة: ٦٨١هـ ، دار النشر : دار الثقافة - لبنان ، تحقیق : احسان عباس، ج ٤، ص ١٧٦

سال ٢٥٥. آیا از این روشن‌تر می‌خواهید؟!

«صلاح الدین صفوی» همین تعبیر را دارد «ابو الفداء» همین تعبیر را دارد «ابن حجر عسقلانی» در کتاب «لسان المیزان» همین تعبیر را دارد «ابن حجر هیثمی»، «ابن اثیر جزری» در «الکامل» همین تعبیر را دارند؛ نه اینکه از کتب شیعه نقل کنند بلکه خودشان قاطعانه گفته‌اند که حضرت مهدی به دنیا آمده است. غالباً هم ولادت آن حضرت را در نیمه شعبان سال ٢٥٥ بیان کرده‌اند.

در کتاب‌های شیعه هم که الی ماشاء الله است. فقط «کلینی» در باب مولد صاحب در ذهنم است ١٤ تا روایت می‌آورد که غالب روایات هم صحیح است نسبت به ولادت حضرت مهدی (ارواحنا فداه) کیفیت ولادتش، حضور «حکیمه خاتون» در قضیه ولادت «ابو غانم خادم» و غیره!

مرحوم «شیخ صدوق» در کتاب «کمال الدین»، «شیخ طوسی» در «کتاب الغیبه» حدود ٦٠ نفر از بزرگان شیعه را که در آن پنج سال حیات امام عسکری، خدمت حضرت مهدی تشریف یافته و حضرت را دیده‌اند نقل کرده است. یعنی (از ولادت حضرت ٢٥٥ تا ٢٦٠). در دوران غیبت که (ملاقات کنندگان با امام زمان) بسیار فراوان هستند.

من یک مناظره‌ای با یکی از ماجراجوهای وهابی درون شیعی به نام «مصطفی طباطبائی» که متأسفانه نوه «میرزا مهدی آشتیانی» صاحب «حاشیه‌ی بر رسائل» است، داشتم. آیت‌الله العظمی «سبحانی» چندین بار فرمودند من شبهه‌ای در ناصبی بودن ایشان ندارم، ایشان در «تهران» است، همین حرف‌هایی که وهابی‌ها می‌زنند ایشان هم همین حرف‌ها را می‌زند. تقریباً چهار پنج سال قبل دوستان امنیتی گفتند ایشان آماده است که با شما مناظره کند گفتم ما الان بیش از ٢٠ سال است به ایشان برای مناظره پیام می‌دهیم ایشان زیر بار

نمی‌رود. حتی ما گفتیم بالای «کوه دماوند» هم بنا باشد مناظره باشد، ما آمادگی داریم! ایشان مدام می‌گفت با «ناصر مکارم شیرازی» و «جعفر سبحانی» مناظره کردم و محکوم کردم گفتم ما از شاگردان این بزرگواران هستیم و افتخار شاگردی داریم، ما که خبر نداریم شما با آن‌ها چه کار کردی؟ راست می‌گویی بیا در یک جلسه با هم مناظره کنیم ضبط و پخش بشود، تمام دنیا بداند که شما واقعاً آدم توانمندی هستی و شما در مناظرات پیروز بودی!

گفتند ایشان بنا است که روز دوشنبه «قم» بیاید، گفتم ایشان «قم» نمی‌آید گفتند قول داده گفتم من این شخص را بهتر از شما می‌شناسم، ایشان «قم» بیا نیست! روز یکشنبه زنگ زدند گفتند ایشان می‌گویند من بیمار هستم و نمی‌توانم مسافرت بروم.

گفتم من نگفتم ایشان «قم» نمی‌آید! من بیش از ۲۵ سال با این شخص درگیر هستم بعد از سه چهار روز گفتند ایشان گفته که فلانی «تهران» بیاید گفتم «تهران» باشد احتمالاً قبول بکند ما «تهران» رفتیم نزدیک چهار ساعت با ایشان بحث داشتیم و موضوع بحث‌مان هم مهدویت بود. ایشان هر چه سوال داشت من جواب دادم. آخر گفت تنها کسی که شاهد ولادت حضرت مهدی بوده، «حکیمه خاتون» بوده است. این خانم هم معلوم نیست که زن ثقه یا غیره ثقه است!

گفتم آقای «طباطبائی»! آیا شما که به دنیا آمدی پنجاه - شصت تا مرد و زن آن‌جا شاهد بودند که شما از شکم مادران بیرون آمدید؟! این چه حرفی است؟! وقتی امام عسکری می‌گوید فرزند من هست ۶۰ نفر دیدند حضرت فرموده این فرزند من، صاحب و امام شما است شما چه می‌گویید؟ بزرگان «علامه مجلسی» و غیره تجلیلی که از «حکیمه خاتون» دارند از کمتر کسی چنین تجلیلی دارند.

افراد دیگر قابله و امثال او بودند حداقل به اندازه چندین برابر آن‌ها که شاهد ولادت شما بودند، شاهد ولادت حضرت مهدی بودند اگر بنا است تشکیک بشود باید اول در انتساب شما به پدرتان تشکیک کنیم! چون آن‌جا

باید چهار تا شاهد و عادل دیده باشند به چه نحوی به دنیا آمدید؟ آن‌هم در زایشگاه‌ها که بعضی‌ها پول می‌دهند، بچه‌های دیگری را قالب می‌کنند گفتم از کجا معلوم چنین اتفاقی نیافتاده باشد؟!

در هر صورت ...

قضیه حضرت مهدی (ارواحنا فداه) چه از منابع شیعه، چه از منابع اهل سنت کاملاً واضح و روشن است؛ مثل این‌که الان شب است شب بودن چقدر واضح است! یا در روز روشن روز بودن چقدر واضح است! شما ببینید علمای اهل سنت این را می‌گویند.

حالا این‌ها زیر بار نمی‌روند و عقیده ندارند، آن بحث دیگری است بحث اعتقاد یک بحث جدایی است؛ ولی این‌که دارند نقل می‌کنند و قاطعانه نسب شناس‌ها ولادت حضرت مهدی را مطرح می‌کنند، تمام این‌ها کاملاً واضح و روشن است.

من تصمیم داشتم قضیه میراث حضرت را هم مطرح بکنم این هم از همان دروغ‌های شاخ داری است که این‌ها به «نوبختی» نسبت داده‌اند. «نوبختی» در کتاب «فرق الشیعه» بیان می‌کند فرقه اولی، ثانیه، ثالثه حدود ۱۶-۱۷ فرقه را مطرح می‌کند. بعد می‌گوید فرقه دوازدهم، فرقه امامیه است و این‌ها معتقد هستند حضرت مهدی، فرزند امام عسکری او فرزند امام هادی و بعد می‌گوید این عقیده شیعه است «سلفِ عن سلفِ» نقل کرده‌اند و شبهه‌ای در این نیست و روایات قاطع و مهم در این زمینه داریم.

عقیده خودش را در فرقه دوازدهم نقل می‌کند؛ ولی این‌ها رفتند دوازدهم را رها کردند آن چهارده پانزده تا فرقه دیگر را که ایشان نقل می‌کند مثل قضیه «ابن تیمیه» به آن چسبیده‌اند و می‌گویند: ببینید «نوبختی» این‌طور می‌گوید آقای «اشعری» در «فرق اسلامی» این را می‌گوید اصلاً حرف ایشان در رابطه با عقیده شیعه، شاید از فرمایش «شیخ مفید» و «سید مرتضی» واضح‌تر و روشن‌تر است.

این‌ها یک مطلب نقل قولی از بزرگان را که رد و نقد کرده‌اند به عنوان عقیده «نوبختی» و «اشعری» نقل می‌کنند. در کتاب «کافی» هم روایت است در روایت اولاً «احمد ابن عبیدالله خاقان» است «وکان شدید النصب» از نواصب خیلی پست بوده است. او نقل می‌کند وقتی امام عسکری از دنیا رفت قضیه میراثش مطرح شد، «جعفر» پیش پدرم آمد و گفت من هر سال ۲۰ هزار دینار می‌دهم که امامت بعد از امام عسکری را برای من درست کنی! گفت «یا احمق»! حاکم وقت شمشیرش را برهنه کرده درباره کسانی که می‌گویند برادر و پدرت امام بودند؛ ولی نتوانسته کار بکند

«یا أحمق ... فإن كنت عند شيعة أبيك أو أخيك إماماً»

اگر در نزد شیعه‌های پدرت و برادرت تو امامی

فلا حاجة بك إلى السلطان... ولا غير السلطان»

احتیاجی به این‌که حاکم بیاید تأیید کند نداری...

«وإن لم تكن عندهم بهذه المنزلة لم تنلها بنا»

و اگر شیعه‌های پدرت و برادرت قبول ندارند با تأیید ما، تو امام نخواهی شد!

الكافي - الشيخ الكليني - ج ۱ ص ۵۰۶

عین عبارت را بدون کم و زیاد «ابن تیمیه» در «منهاج السنه» به عنوان عقیده شیعه آورده و می‌گوید آی مردم ببینید امام عسکری فرزندی نداشت تمام میراثش را برادرش به عنوان وارث نسبی تصرف کرد، اگر فرزندی داشت که به او نمی‌رسید. این روایت به ضرر این بدبخت بیچاره است!

بحث‌های متعددی ما در این زمینه داریم که البته عرض کردم این عقیده مرحوم «اشعری» در این زمینه است و عقیده «نوبختی» که «الفرقة الثانی عشر الفرقة امامیه» است بعد ایشان می‌گوید:

«فَنَحْنُ مُسْتَسْلِمُونَ بِالْمَاضِي وَإِمَامَتِهِ مَقْرُونُونَ بِوَفَاتِهِ مُعْتَرِفُونَ بِأَن لَّهُ خَلْفًا قَائِمًا مِنْ صَلْبِهِ وَأَنْ خَلْفَهُ هُوَ

الإمام...»

شبهات وردود - السيد سامي البدری - ج ۱ ص ۲۶

خیلی مفصل است همین که فرقه امامیه است بعد هم فرقه «ثالث عشر»، «رابع عشر»، «خامس عشر» را مطرح می‌کند و آن‌ها را هم مرحوم «نوبختی» رد می‌کند.

این خلاصه‌ای از شبهه این‌ها با پاسخ‌های خیلی اجمالی بود که اگر ما پاسخ را مفصل بدهیم حداقل ده - دوازده جلسه شبهات ولادت و قضیه تقسیم میراث، وقت می‌طلبد.

خدایا به آبروی حضرت مهدی قسمت می‌دهیم فرج حضرت مهدی را نزدیک بگردان. ما را از یاران خاص و سربازان فداکار و شهدای رکابش قرار بده. خدایا تو را قسمت می‌دهیم به مادرش صدیقه طاهره به جدش امیر المؤمنین (سلام الله علیه) امشب من می‌خواهم خدا را قسمی بدهم یقین دارم خدا این قسم را رد نمی‌کند، امیر المؤمنین در کنار جنازه حضرت زهرا وقتی او را دفن کرد، یک جمله‌ای دارد - که مرحوم «علامه امینی» همیشه وقتی این را می‌گفت، می‌گفت زهرا جان ما را که کشتی، آتش‌مان زد - و آن اینکه فرمود:

«وَأَمَّا لَيْلِي فَمُسْتَهْدٌ»

زهرا، دیگر بعد از تو علی شب‌های آرامی ندارد از غصه شب‌ها خواب به چشم علی نخواهد رفت.

«أَمَّا حُزْنِي فَسَرْمَدٌ»

غصه علی دائمی است خدایا قسمت می‌دهیم به «لَيْلِ مُسْتَهْدٍ عَلِيٍّ وَبِهِ حُزْنِ سَرْمَدِ عَلِيٍّ»، از باقیمانده غیبت حضرت مهدی صرف نظر بفرما. مقدمات ظهورش فراهم بگردان. قلب نازنینش از ما راضی و خشنود بگردان.

انقلاب ما را به انقلاب جهانی‌اش متصل فرما. خدمت گزاران به اسلام و قرآن و اهل بیت بالاخص مقام معظم رهبری موفق و مؤید مدار.

دشمنان ما که دشمنان دین تو هستند و در رأسش آمریکای جنایتکار و تروریست و اسرائیل غاصب و عربستان منحرف و گمراه، خدایا می‌دانیم این‌ها قابل هدایت نیستند این‌ها را خار و ذلیل و نابودشان بگردان. به تمام سربازان اسلام که در سراسر جهان جهاد می‌کنند بالاخص عزیزان ما در یمن، خدایا به آبروی زهرا و به «لیل مُسَهَّدُ عَلی و به حُزْنِ سَرْمَدِ عَلی» پیروزی نهایی سریعاً عنایت بفرما. خدایا دعا‌های ما را به اجابت برسان. حوائج ما برآورده نما.

هدیه به ارواح پاک انبیاء، اولیاء، شهداء، صدیقین و صالحین بالاخص «امام راحل» صلوات ختم بفرمایید.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ